

هوشنگ امیر احمدی در گفتگو با " امروز": انتخابات آزاد، کمر آمریکا را می شکند

وب سایت امروز، دو شنبه - ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۴ - ۱۶ می ۲۰۰۵
مصاحبهگر: آرش صالحی

امروز - هوشنگ امیر احمدی سالهاست که در شورای آمریکاییان و ایرانیان برای بازسازی رابطه ایران و آمریکا تلاش می کند. امیر احمدی به همین دلیل به شدت مورد انتقاد سازمان مجاهدین خلق، سلطنت طلبان و برخی دیگر از گروهها و فعالان سیاسی داخلی و خارجی است. وی در اقدامی که باعث شگفتی محافل سیاسی داخل و خارج کشور شد برای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از طریق وکیل خود در تهران ثبت نام کرده است.

امیر احمدی دکترای خود را در «برنامه ریزی و توسعه جهانی» از دانشگاه گرنل گرفته است و هم اکنون در دانشگاه راتجزز، دانشگاه ایالتی نیوجرسی، به تدریس مشغول است. او مدیریت مرکز مطالعات خاورمیانه این دانشگاه را به عهده دارد و در آنجا هم به عنوان مدرس و هم به عنوان مدیر گروه به فعالیت مشغول است.

امیر احمدی بنیانگذار و مدیر اجرایی شورای آمریکاییان و ایرانیان است. این شورا مرکزی برای پژوهش و سیاستگذاری است که تلاش دارد درک متقابل مردم ایران و ایالات متحده آمریکا را از یکدیگر بهتر کند. امیر احمدی نویسنده کتاب های متعددی است که از آن میان می توان به «انقلاب و گذار اقتصادی: تجربه ایرانی» اشاره کرد. وی همچنین ویراستار ده کتاب دیگر از جمله کتاب های «منطقه دریای خزر بر سر چند راهی: عرصه های نو برای انرژی و توسعه»، «جزایر کوچک، سیاست های بزرگ: تنب و ابوموسی در خلیج فارس»، ایالات متحده و خاورمیانه: «جست و جو برای یافتن افق های جدید»، «ایران پس از انقلاب»، «ایران و جهان غرب»، «بازسازی و دیپلماسی منطقه ای در خلیج فارس» می باشد.

وی نویسنده چندین کتاب به زبان های فارسی و انگلیسی و بیش از دویست مقاله برای نشریات پژوهشی مختلف است و در بسیاری کنفرانس ها در اروپا، آمریکای شمالی، آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا و خاورمیانه شرکت کرده است. نوشته های او به بسیاری زبان های اروپایی و عربی ترجمه و در اروپا و کشورهای عربی منتشر شده است. وی همچنین به عنوان مشاور بانک جهانی، بانک UNDP و مؤسسات خصوصی همکاری کرده است.

امروز - با توجه به شرایط کنونی ایران، شما از دیدگاه حاکمان، جزء نیروهای خودی به حساب نمی آید؛ در حالی که اکنون نیروهای خودی هم با مشکل تایید صلاحیت مواجه اند، شما به چه امیدی برای کاندیداتوری ریاست جمهوری ثبت نام کرده اید؟ هدف شما از این کار چیست؟

امیر احمدی - در خارج از کشور سه موضع وجود دارد. یک موضع این است که ما باید طرف آمریکا را بگیریم تا به جمهوری اسلامی حمله کند. موضع دیگر این است که ما باید همه پرسه انجام دهیم و قانون اساسی را تغییر دهیم. موضع سوم هم وجود دارد که بر اساس آن ما باید در ایران مانند سال ۱۹۷۹، بدون کمک آمریکا، یک انقلاب، راه بیاندازیم.

من به هیچیک از این سه موضع اعتقاد ندارم. من دوست ندارم که آمریکا ایران را بزند، و طرفدار انقلاب هم نیستم. ملتها هر ۲۵ سال یک بار انقلاب نمی کنند. در ایران تا بخواهید انقلاب بوده است. از انقلاب چیزی در نیامده است. ما انقلابی ترین کشور دنیا هستیم و یکی از مشکلات ما هم همین است. در مورد همه پرسه هم معتقدم حکومتی که حتی حاضر نیست انتخاب آزاد برگزار کند، چه همه پرسه می توان از آن انتظار داشت؟ حکومت نمی تواند برای نفی خودش رفراندوم برگزار کند.

رفراندوم، در واقع، نوع دیگر تغییر رژیم است. من می گویم جمهوری اسلامی که اجازه نمی دهد که نامزدهای منتقد درون حاکمیتی یا اپوزیسیون قانونی هم در انتخابات شرکت کنند، صد در صد، با

برگزاری رفراندوم هم موافقت نخواهد کرد. با هر قیمتی که بشود، مقاومت می کند و اگر هم يك روزی مجبور بشود که با رفراندوم موافقت بکند، آن روز، وقتی است که حکومت از بین رفته است .

امروز - با این تفاسیر هدف شما از ثبت نام چه بوده است؟

امیراحمدی- هنوز بهترین راه در ایران انتخابات آزاد است. هدف دیگر من این است که از طریق حضور در انتخابات برای انتخابات آزاد مبارزه بکنیم. تمام حرف من این است که ما باید در این مقطع، از هر قدرت و نیرویی که داریم برای انتخابات آزاد بهره بگیریم. بگذارند ما در صحنه بیاییم. اینها هر چه بیشتر رذصلاحت بکنند همان قدر منزوی تر می شوند. ما گناهی نداریم جز این که ملی و مردمی هستیم. اگر من را رذصلاحت بکنند، من گناهکار می شوم یا شورای نگهبان؟ معلوم است که شورای نگهبان. مردم به من می گویند کار بدی کردی یا به شورای نگهبان؟ از طرف دیگر، در دنیا تنها تجربه ای که در چند دهه گذشته به خوبی پیش رفته است، انتخابات بوده است. انتخابات هم فشار مردمی لازم دارد، رهبری مردمی می خواهد، و پشتیبانی نظری لازم دارد، من از این دیدگاه وارد این جریان شده ام. همه ایرانیان باید برای انتخابات آزاد تلاش کنند نه انتخابات مخالف انتخابات نیستیم، ما مخالف انتخاباتی هستیم که آزاد نیست .

امروز - آیا شما به بند قانون اساسی کنونی معتقدید؟

امیراحمدی- طرح این بحث، هنوز، خیلی زود هنگام است. این يك بحث تئوریک و بی مورد است. زمان شاه ما قانون اساسی داشتیم آیا مشکل دیکتاتوری شاه، قانون اساسی مشروطه بود؟ نه. قانون اساسی مشروطه مشکل دیکتاتوری شاه نبود. شاه دیکتاتور بود. فکر نکنید که قانون اساسی همه مشکلات ماست. خیلی کارها هم می توان در همین قانون اساسی جمهوری اسلامی انجام داد. آنچه مهم است، قانون اساسی نیست. آنچه در ایران مهم است، مردم هستند. سه فاکتور در ایران از هر چیز دیگری مهمتر است : مردم، مردم، مردم. ما می گوئیم که هر آنچه مردم می خواهند باید تحقق پیدا کند. مردم اگر گفتند انتخابات آزاد می خواهیم باید انتخابات آزاد برگزار شود. اگر می گویند قانون اساسی تغییر کند، باید تغییر کند. اگر می گویند که نباید قانون اساسی عوض شود، نباید عوض شود. می خواهم بگویم که من هنوز هم برای تعویض یا عدم تعویض مثلا قانون اساسی يك حرکت مردمی ندیده ام .

حرکت روشنفکری دیده ام، اما حرکت مردمی هنوز ندیده ام. ممکن است که مردم در دل خود چنین بخواهند، اما آنچه که در قلب است با آنچه که در عمل باید پیاده شود، تفاوت دارد. مشکل شخص من قانون اساسی نیست؛ حکومت انتخابات آزاد برگزار کند، بقیه چیزها، پیشکش .

مشکل ما، نداشتن يك انتخابات آزاد است که حق انسانی ماست. جزء حقوق بشر ماست. مشکل شورای نگهبان است. اگر این قانون اساسی به همین شکل باشد، من و شما ۱۰ نفر دیگر بشویم، اعضای شورای نگهبان، چه اشکالی پیش می آید؟ من خودم می دانم که نمی توانم در این انتخابات شرکت کنم. ما برای حل يك مشکل دو راه در پیش رو داریم. یکی این که کل سیستم را هدف بگیریم، یعنی همان کاری که زمان شاه انجام دادیم. قلب سیستم را هدف بگیریم و آن را از پای درآوریم. واقعیت این است که این کار همیشه درست نیست. راه دیگر این است که به صورت جزئی در راه اصلاح آن قدم برداریم .

انقلاب وقتی خوب است که يك نیرو برتری غالب داشته باشد. اگر این سیستم در چارچوب يك حرکت مردمی دچار فروپاشی شود، چون توازن قوا در نیروها وجود دارد، به آشوب و هرج و مرج منتهی می شود. نتیجه طبیعی يك فروپاشی در ایران، جنگ داخلی خواهد بود؛ در کنار این تجزیه کشور بوسیله نیروهای تجزیه طلبی که از طرف دشمن خارجی حمایت می شوند .

امروز - آیا منظور شما از نیروهای خارجی آمریکا است؟

امیراحمدی - در مرزهای ما نیروهای دیگری هم هستند که از این جریان حمایت می کنند. از آمریکا دشمن تر پاکستان است. از آمریکا دشمن تر ترکیه است. از آمریکا دشمن تر امارات متحده عربی است. از همه این ها دشمن تر اسرائیل است. دشمنان ما در منطقه وجود دارند که دست بر قضا اکثرشان هم مسلمان هستند. ما آمریکا را لولوخور خوره کرده ایم. در حالی که دشمنان ما بیشتر در خود منطقه حضور دارند. کسانی که پول خرج می کنند و بر علیه ما و در جهت تجزیه طلبی سازمان درست می کنند. در جمهوری آذربایجان، ترکیه، پاکستان، اسرائیل، کشورهای عربی...

ایران حتی يك دوست صادق در منطقه ندارد. حتی در دنیا دوستی ندارد. من هیچ کشوری را به این انزوا در دنیا ندیده ام. فشارهای داخلی در ایران بسیار زیاد است. معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی... و از خارج هم به ایران فشار زیادی وارد می آید. به همین سبب وضعیت ایران بسیار شکننده شده است. این شکنندگی می تواند به فروپاشی بینجامد و اگر فروپاشی صورت بگیرد، به احتمال زیاد، جنگ داخلی و تجزیه نتیجه بسیار طبیعی آن خواهد بود.

امروز - برخی معتقدند که اگر می خواست ایران تجزیه بشود، باید این اتفاق در زمان انقلاب و یا در دوران جنگ روی می داد. این گروه شرایط فعلی ایران را به صورت استقرایی بررسی می کنند و می گویند چون در آن برهه چنین نشد پس چنین خطری وجود ندارد. به نظر شما آیا شرایط کنونی ایران با شرایط دوره انقلاب قابل مقایسه است؟

امیراحمدی - اگر یادتان باشد، بعد از انقلاب، تجزیه طلبی بسیار قوی شد، حتی در ترکمن صحرا هم چنین گرایشاتی به وجود آمد، اما خوشبختانه نیروی رهبری انقلاب، به قدری قدرتمند بود، که به سادگی توانست به این جریان پاسخ بگوید. حدود ۹۰ درصد مردم پشت سر رهبری انقلاب بودند. اگر آن موقع، نیروهایی که رهبری انقلاب را به دست داشتند، مثل جریانات کنونی بودند یعنی به عبارت دیگر انواع و اقسام رهبری وجود داشت، و همه مدعی رهبری بودند، مطمئن باشید که بخش هایی از ایران دست کم اعلام خودمختاری می کردند. شرایط کنونی با دوران انقلاب متفاوت است. یکی اینکه رهبری انقلاب عامل وحدت بخش بود، بنابراین کسی در مقابل وی نمی توانست عرض اندام بکند. دوم اینکه وضعیت ایران در منطقه مانند وضع فعلی نبود. می گفتند که ایران حق دارد که انقلاب کند، ما بسیار محبوب بودیم. ما یک دیکتاتور را که هیچکس از آن خوشش نمی آید از کشور بیرون کردیم. آمریکا در آن موقع واقعا دشمن ما نبود. مشکلاتی که هم اکنون در داخل و خارج گریبانگیر ایران است در آن موقع برای کشور وجود نداشت. ایران کنونی، پدیده بسیار متفاوتی است. الان ۷۰ میلیون جمعیت داریم در آن موقع ۳۰ میلیون. درآمدها بهتر بود، الان فقیر هستیم. ایران دوران انقلاب و ایران فعلی دو دنیای متفاوت هستند.

منظورم این نیست که اگر ایران دچار فروپاشی شود حتماً، تجزیه می شود، اما اطمینان دارم که جریان تجزیه طلبی قدرتمند خواهد بود و کنترل کردن آن نیز آسان نخواهد بود و ما برای مدت ها گرفتاری خواهیم داشت. هم اکنون این جریانات از خارج حمایت می شوند، اما در آن موقع جنبش های قومی از داخل حمایت می شدند، مجاهدین، فدایی ها و چپ های شش آتشفشان...

امروز - فارغ از کاندیداتوری شما، اگر طیفی از کاندیدها رخصلاحت بشوند، پیش بینی شما از واکنش آمریکا و اروپا چه خواهد بود؟

امیراحمدی- طبیعی است که اگر نامزدهای منتقد و به ویژه منتقدین درون حاکمیتی و غیروابسته به محافظه کاران ردصلاحیت بشوند، مشروعیت این حکومت بیش از پیش پایین می آید و اروپا و آمریکا، بهانه ای به دست می آورند که بیشتر این حکومت را تحت فشار قرار بدهند و نه فقط پرونده ایران را به سازمان ملل می برند، بلکه مطمئناً یک جنگی را هم به ایران تحمیل می کنند، اگرچه ممکن است این جنگ محدود باشد. خیری که من دارم از این هم بدتر است. آمریکا مخصوصاً از هم اکنون فرضش این است که این انتخابات نامشروع است و حکومتی هم که از آن در می آید نامشروع خواهد بود. آمریکایی ها فکر می کنند تا وقتی که محافظه کاران، نامزدهای غیرخودی را تحمل نمی کنند، این انتخابات نامشروع است. آمریکا خود را آماده کرده است که این حاکمیت را به سازمان ملل بکشاند و حداکثر پس از ۱۶ یا ۱۸ ماه این حکومت را مورد هدف قرار دهد.

اول از طریق جراحی های نظامی و بعد کم کم آن را گسترش دهد و با کمک مجاهدین و نیروهای غیرمردمی مخالف حکومت، ایران را بی ثبات کرده و هرج و مرج ایجاد می کند و در این هرج و مرج یک جنگ داخلی، راه می اندازد تا به جایی که این کشور اگر هم حکومت سرنگوش نشود، دست کم روز خوش نبیند. این نقشه آمریکایی هاست و اگر این انتخابات خوب برگزار نشود و حقانیت نداشته باشد، آمریکا ظرف پانزده شانزده ماه آینده به ایران حمله می کند. هیچ تردیدی در روی این واقعیت نیست. شک نکنید که آمریکا به ایران حمله می کند. این را می توانید از قول من بنویسید و خیلی هم درشت بنویسید. آمریکا نقشه دارد و همه اینها برنامه ریزی شده است و تمام جوانب آن آماده است و متأسفانه آمریکا به ایران حمله می کند. من خیلی نگران هستم. برای اینکه من اعتقاد ندارم که حق ایران است که مورد حمله قرار بگیرد. کار بسیار خطرناکی خواهد بود. ملت ایران، عکس العمل نشان می دهد. دولت ایران واکنش نشان می دهد و نه یک فاجعه ملی بلکه یک فاجعه منطقه ای رخ می دهد. باید به هر شکلی شده، جلوی این فاجعه را گرفت. باید با دولت جمهوری اسلامی، با رهبران آن صحبت کرد و جریانات و خطرات کنونی را برای آنها به خوبی روشن کرد. یکی از دلایلی که من وارد میدان انتخابات شدم همین بود. می خواستم فرصتی به دست آورم که این مسائل را برای ملت و دولت توضیح بدهم. متأسفانه اگر توجه کنیم این مساله می تواند هویت ملی ما را از بین ببرد، ساختارهای ما را به نابودی بکشاند. این واقعیتی است در جلوی چشمان ما که زیاد هم دور نیست.

امروز - به تازگی دانیل السبرگ عضو پیشین پنتاگون و قبل از وی اسکات ریتر، بازرس سابق تسلیحاتی سازمان ملل نسبت به حمله به ایران هشدار داده اند، این دو به خصوص ماه ژوئن را سرنوشت ساز قلمداد کرده اند. به اینها فروش بمب های آمریکایی به اسرائیل و دیگر تحرکات اسرائیل را هم اضافه کنید، اما عده ای این هشدارها را نوعی جنگ روانی برای به انفعال کشاندن ایران ارزیابی می کنند، تلقی شما چیست؟

بعید می دانم ژوئن اتفاقی بیفتد، به نظرم خیلی زود است، حتی ۶ ماه هم زود است. اما می دانم که یکسال و نیم، صددرصد، زود نیست. این اتفاق در این مدت ممکن است رخ دهد. آمریکا برای اینکه به ایران حمله کند باید خیلی کارها انجام دهد. اول باید پرونده ایران را به سازمان ملل بکشاند، بعد، باید به این تحریم ها مجال تاثیرگذاری بدهد و پس از آن بهانه دیگری به دست آورد و بگوید این تحریم ها کارساز نیست و حکومت ایران باج نمی دهد و بدین ترتیب افکار عمومی را برای جراحی نظامی آماده کند. البته اسرائیلی ها خیلی اصرار می کنند هرچه زودتر این کار انجام بشود، مفیدتر خواهد بود. زیرا می ترسند در آینده بسیار نزدیک ایران به نقطه غیرقابل برگشت برسد. اسرائیلی ها اصولاً، علاقه مند بودند که ایران قبل از عراق و افغانستان مورد حمله قرار بگیرد. من خوشبختم بگویم که این «شورای آمریکاییان و ایرانیان» یکی از افتخارات تاریخی اش این است که هدف گیری ایران از طرف آمریکا را منحرف کرد.

ما در آمریکا یک زیربنای سیاسی بسیار خوبی را ساخته بودیم که در آن رهبران بلندپایه سیاسی آمریکا حضور داشتند. ولی باید بدانیم که این تغییر مسیر آمریکا همیشگی نیست. قدرت ما هر روز در آمریکا کمتر و قدرت دشمنان ایران هر روز بیشتر می شود. اگر این جریان انتخابات هم کمکی نکند، مطمئن باشید که جنگ بین ایران و آمریکا حتمی خواهد بود. شک نکنید. متأسفانه بسیاری گمان می کنند که آمریکا با ایران همانند عراق جنگ می کند. به همین دلیل هم می گویند که آمریکا نمی تواند. نه خیر! جنگ آمریکا با ایران همانند جنگ عراق نخواهد بود. جنگ آمریکا و عراق ۱۲ سال طول کشید. آن طوری که محافظه کاران جدید ادعا می کنند جنگ دوماهه نبود. از سال ۹۱ و ۹۲ برای عراق گرفتاری ایجاد کردند. بعد منطقه پرواز ممنوع ایجاد کردند. کردستان عراق را عملاً، جدا کردند. در طی این ۱۲ سال آمریکا مدام به بی ثباتی ها در عراق دامن می زد. هر دو سه ماه یک بار هم هر چیزی که عراق می ساخت را نابود می کردند. پل ها، راه ها، تاسیسات مخابراتی، تلویزیون، سایت های موشکی و... یعنی به بهانه اینکه می خواهند قدرت عراق را کم کنند، هویت عراق را هم از بین می بردند. مشکل اساسی ایران برای آمریکا قدرت ایران است. آمریکا می خواهد این قدرت را هدف قرار دهد. متأسفانه در مسیر هدف قرار دادن قدرت ایران، به هویت ایران هم حمله ور می شود. زیرا، اینها، لوازم و جوانب حمله به ایران است.

امروز - اما حمله آمریکا به ایران، خواست بسیاری از ایرانی ها نیست .

امیراحمدی- ایرانی هایی که مایلند آمریکا به ایران حمله کند، گمان می کنند آمریکا مانند عراق به ایران حمله می کند و تهران را می گیرد و به دست مخالفان حکومت می سپارد. رفتن به تهران هرگز در ذهن آمریکا خطور نمی کند. این از محالات است. آمریکا تا تهران را نگیرد و تا وارد ایران نشود، نمی تواند حکومت را عوض کند. برخورد ایران و آمریکا لزوماً به تغییر رژیم منتهی نمی شود. یا باید مردم در جریان حمله، حکومت را عوض کنند یا آمریکا باید تهران را بگیرد. من معتقدم که هیچیک از این دو وضعیت به وجود نمی آید. بنابراین، آمریکا در آن صورت تمام ساختارهای قدرت ایران را که شامل راه ها، مخابرات، سایت های موشکی، صنایع نظامی و غیرنظامی و تاسیسات هسته ای اش را مورد هدف قرار می دهد و در کنار آن باعث خرابی های جانبی می شود. ممکن است خیلی از آثار باستانی مهم ایران از بین برود. همان طور که در عراق از بین رفت. به هر حال آنهایی که فکر می کنند آمریکا می آید و ایران گلستان می شود، باید توجه کنند آمدن آمریکا جز تخریب چیزی برای ایران نخواهد داشت و به تغییر رژیم هم نخواهد انجامید. فقط قدرت حکومت و ملت از بین می رود. این راه درستی نیست. خواسته های جوانان، زنان، فقیران، و حتی ثروتمندان ما، خواسته های به حقی است ولی گرفتن این حقوق از طریق جنگ با آمریکا به دست نمی آید. در چنین مسیری کشور، هم به لحاظ فیزیکی و هم به لحاظ فرهنگی، از بین می رود .

امروز - آیا موضع اروپا، مخالفت با حمله آمریکا خواهد بود؟

امیراحمدی- بعد از جنگ جهانی دوم تا الان، اروپا در هیچ بحران بین المللی از آمریکا استقلال نداشته است. اروپا هیچوقت نتوانسته است هیچ بحران بین المللی را مستقل از آمریکا حل کند و یا حتی وارد آن بشود. اروپا کماکان دنباله رو آمریکاست و در واقع شریک این کشور است. حسابی را که جمهوری اسلامی در این چند سال روی اروپا باز کرده بود در جریان پرونده هسته ای نشان داده شد که اروپا کاری از دستش بر نمی آید. این درست که اروپا در ایران منافع دارد، اما نباید فراموش کرد، منافی که اروپا در آمریکا دارد دست کم ۵۰۰ برابر منافعتش در ایران است. آمریکا و اروپا دیگر ۲ تن جدا از هم نیستند.

فکر جداسازی اروپا و آمریکا غیرممکن است. هنوز هم از نظر سیاسی و نظامی، آمریکا حرف اول را می زند. اگرچه اروپا در این سال ها از نظر اقتصادی وضع بهتری پیدا کرده است، اما اروپا از نظر نظامی در مقابل آمریکا هنوز یک بچه است. اروپایی ها اصولاً به حقوق بشر بیشتر اهمیت می دهند. اگر این انتخابات آزاد و مشروع نباشد، اروپا بیش از پیش از جمهوری اسلامی فاصله می گیرد و عصبی می شود. به طور طبیعی اروپا به دموکراسی و حقوق بشر بیشتر توجه داشته است. حتی پیش از گفت و گوهای هسته ای، اروپایی ها بسیار کم به جریان هسته ای ایران توجه داشتند و بیشتر به مسائل دموکراسی حقوق بشر تمرکز داشتند، درست عکس آمریکا. حالا دیگر آمریکا و اروپا یک صدا شده اند. مواضع اروپا در مسائل هسته ای و بحث تروریسم به مواضع آمریکا نزدیک شده است و مواضع آمریکا هم در مورد حقوق بشر و سیاست های داخلی جمهوری اسلامی به مواضع اروپا نزدیک شده است. برای اولین بار رابطه آمریکا با جمهوری اسلامی به مسائل حقوق بشری و توسعه سیاسی، دموکراسی و انتخابات آزاد گره خورده است. اگر انتخابات آزاد برگزار نشود، آمریکایی ها به این سادگی ها دست بردار نیستند. اما هنوز هم دموکراسی و حقوق بشر برای آمریکا اولویت دوم است. اولویت نخست آمریکا برنامه هسته ای، تروریسم و... اینها است که به طور مستقیم به قدرت ایران در ارتباط است و بنابراین از بین بردن این قدرت در دستور کار آمریکا قرار دارد. این جریانی است که من در آمریکا می بینم. ما در اینجا زندگی می کنیم، این حرف ها نظریه بافی نیست.

امروز - برخی از محافظه کاران حکومت ایران معتقدند که با گرفتن حکومت می توانند با آمریکا رابطه برقرار کنند و داخل را هم کنترل نمایند؟ تا چقدر این نظریه با واقعیت مطابقت خواهد داشت؟

امیراحمدی- آمریکا، نظام جمهوری اسلامی را در مجموع نامشروع می داند و گمان نمی کنم در آینده نزدیک هر اتفاقی در حکومت بیفتد. این تکرر در آمریکا عوض بشود. اینکه راست بیاید و سیستم را یکدست کند و به آمریکا امتیاز بدهد و از طریق آن داخل را کنترل کند و یا اینکه جناح چپ ببرد و رفرم بکند و از این طریق آمریکا را قانع کند، هیچکدام نمی تواند آمریکا را راضی کند. من واقعاً، از گفتن این حرف متأسفم. برای اینکه وضعیت رابطه ایران و آمریکا و این فکر و دنیایی که در آن ایران و آمریکا در آن زندگی می کنند، به طور کل، دگرگون شده است. گمان نمی کنم که جناح راست بتواند به آمریکا امتیازی بدهد که آمریکا قانع شود. مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی وسیع تر از مجموعه مشکلاتی است که آمریکا با جمهوری اسلامی دارد. یعنی اگر شما تروریسم، پرونده هسته ای، صلح خاورمیانه و حقوق بشر و هر مشکل دیگری را با هم جمع بزنید مجموع اینها کوچکتر از مساله آمریکا با ایران است. مساله اصلی آمریکا با ایران دو چیز است.

یکی سیستم و دیگری قدرت است. آمریکا به هیچوجه مایل نیست مدل حکومتی تئوکراسی زنده بماند. دوم مساله قدرت است. آمریکا (و اسرائیل) به هیچوجه حاضر نیستند ایران به همین شکل باقی بماند. بنابراین برای حل مشکل ایران و آمریکا از نظر آمریکایی ها باید این دو مشکل حل بشود. آمریکا در حال مبارزه با اسلامگرایان افراطی در دنیا است و وجود یک تئوکراسی که از نظر آمریکا برای اسلامگرایان به نوعی نویدبخش است، قابل قبول نیست.

آمریکایی ها در مورد ایران بسیار بنیادین فکر می کنند. ایران یک کشور بسیار ثروتمندی است. مخصوصاً در رابطه با نفت و گاز. در ۲۵ تا ۵۰ سال آینده نفت حرف اول جهان را می زند. آن قدرتی که نفت را کنترل کند، می تواند دنیا را کنترل نماید. آمریکا برای اینکه کنترل دنیا را در دست داشته باشد باید کنترل چند کشور را در دست بگیرد. عربستان، عراق، ایران. ایران نه فقط نفت و گاز دارد، بلکه تاریخ، جغرافیا و میلیون ها نفر جمعیت دارد. آمریکا، فعلاً، عربستان را دارد گرچه سرنوشت آن معلوم نیست. عراق هم که در تصرف دارد. به گمان من هر اتفاقی که در عراق بیفتد، امکان ندارد که آمریکا از عراق

بیرون برود. رفتن به عراق برای نفت بود. تمام داستان برای نفت بود. از اول می دانستند که نه بمبی است و نه تروریسمی در آنجا وجود دارد. جایگاه ایران در دنیا، برای آمریکا مشکل زا است. کشوری مثل ایران با آن همه قدرت نفتی، وقتی به طرف روسیه، یا چین، و یا اروپا می رود برای آمریکا خوشایند نیست. اینها رقبای آمریکا در ۲۵ تا ۵۰ سال آینده هستند. اگر حکومتی در ایران درست می شد که ایران را در اختیار آمریکا قرار می داد مساله این دو کشور حل می شد. اگر جناح راست بیاید حکومتی مانند حکومت زمان شاه درست بکند، بله می تواند با آمریکا زندگی کند. یعنی مدل تئوکراسی را کنار بگذارد... یعنی آمریکا احساس کند که ایران یک همکار شده است، نه دشمن. جناح راست ما اصولاً یک برخورد بسیار ماتریالیستی با آمریکا دارد. محافظه کاران در ایران فکر می کنند که آمریکا یک کشور ماتریالیستی است و بنابراین، جز به پول و اقتصاد به چیز دیگری فکر نمی کنند. آمریکا پیش از این کشوری پراگماتیک و عملگرا بود. اما پس از یازده سپتامبر بسیار ایدئولوژیک شد. گمان نمی کنم جناح راست حکومت با یکدست کردن قدرت، بتواند با آمریکا وارد مذاکره بشود. در آمریکا نیروهایی هستند که شدیداً از حکومت ایران، خصوصاً از جناح راست آن بیزارند. این تنها بوش نیست که تصمیم می گیرد. این یک واقعیت است. باید آن را دید و بگوییم و حکومت ایران هم باید آن را بشنود. گمان می کنم که راستی های ایران هم از آمریکا بسیار منتفرند. به قول معروف دل به دل راه دارد. این می گوید تو شیطان بزرگی و آن می گوید تو اهریمنی. این شیطان و اهریمن هر دو واقعا همدیگر را این گونه می بینند. من همیشه سعی کرده ام که این مشکل حل بشود. به همه آنهایی که می گفتند باید با این حکومت جنگ کرد من در برابرشان می گفتم که باید رابطه برقرار شود. من علاقه مندم این رابطه برقرار بشود و برای من مهم نیست که آمریکا با چه گروهی در ایران رابطه برقرار کند. اگر جناح راست هم از من کمک بخواهد، من صادقانه کمک می کنم. زیرا به نظر من حل این مشکل مهمتر از هر چیز دیگر است. اگر می گویم که جناح راست نمی تواند با آمریکا رابطه برقرار کند، در واقع بیانگر آرزوی من نیست، برعکس من نگران این موضوع هستم و امیدوارم بتواند چنین کاری بکند. در عین حال آن طوری که من آمریکایی ها و اسرائیلی ها می بینم، بسیار بسیار، نسبت به ایران، حکومت و جناح راست به طور اخص، نگرش منفی دارند. بیش از حد منفی هستند. رویکرد آمریکا دشمنانه و غیرمعقول است. نیرویی در آمریکا وجود دارد که بخش وسیعی از قدرتمندان را در اینجا قانع کرده که دیگر با ایران نمی توان کار کرد و جز جنگ و سرنگونی راه دیگری وجود ندارد. آمریکایی ها اصلاً، به فرجام این انتخابات فکر نمی کنند. دیگر در زمان کلینتون نیستیم که می گفت در جمهوری اسلامی، آدم بد و خوب وجود دارد. دیگر، آدم خوب در حکومت نمی بینند. از نظر آمریکایی ها یک «خودی» که خوب هم باشد، وجود ندارد. تجربه آقای خاتمی بسیار برای آنها تلخ بود و به شدت سرخورده و منکوب شدند. دولت بوش اصلاً نمی تواند تصور کند که یک نیروی خوب در درون حکومت وجود دارد. آمریکایی ها در این زمینه خیلی اغراق می کنند و گاهی هم بی انصافی می کنند. هنوز هم جریانات دموکراتیک در ایران خیلی بیش از کشورهای منطقه است. اما ایران و آمریکا دشمن مانده اند و در دشمنی حلوا پخش نمی کنند.

امروز - آیا دست کم با برگزاری یک انتخابات نسبتاً آزاد با معیارهای ایران، نمی توان از اجماع اروپا و آمریکا جلوگیری کرد؟

امیراحمدی- تا وقتی که ایران غنی سازی را کامل متوقف نکرده، یا در آن تاسیسات هسته ای بولدوزر نینداخته است، ایران را به سازمان ملل می کشانند. این توافقی است که بین اروپا و آمریکا صورت گرفته اما اروپا از گفتن یکباره آن، خودداری می کند.

۸ و ۹ سال پیش من در مجله «گفت و گو» مقاله ای با عنوان «ایران در جهان سه قطبی» نوشتم. در آنجا مطرح کردم که تا ایران مساله خود را با آمریکا حل نکند نمی تواند در دنیای جدید آرام بگیرد. اینکه ایران

بخواهد از راه ارتباط با چین، روسیه و اروپا بر مشکلات فائق آید، پاسخگو نخواهد بود. این آقایانی که در آن موقع در نشریه «عصر ما» می نوشتند به آن مقاله در چندین شماره جواب دادند. حرف آنها این بود که امیر احمدی دنیا و غرب را مساوی آمریکا گرفته است.

بعدها به من گفتند که همین دوستان گفته اند که حرف امیر احمدی درست بوده است. برای آمریکایی ها هیچ چیز به اندازه پرونده اتمی ایران اهمیت ندارد و البته، این هم یک بهانه است. پرونده هسته ای برای جمهوری اسلامی تله است. از طریق همین پرونده هسته ای ایران را به سازمان ملل می برند و قدرت آن را از بین می برند. همان طور که سلاح های کشتار جمعی در عراق بهانه بود. در مقطعی هستیم که آمریکا تغییر رژیم را به صورت ضمنی در دستور کار خود دارد. بعد از این انتخابات و یا کمی آن طرف تر این را شفاف می کنند. الان فقط دنبال بهانه می گردند. این انتخابات هم بهانه دیگری است. بعد یک غائله دیگری راه می اندازند. يك معجزه لازم است. به عنوان يك آدم ایرانی و ملی که دلش برای ایران می سوزد، به شما می گویم، اگر جمهوری اسلامی بتواند يك انتخابات واقعاً آزاد برگزار کند و بتواند مردم را دوباره به خیابان بیاورد، اگر جریان ملی دموکراتیک شکل بگیرد، مانند همان جریانی که اوایل انقلاب بود، می تواند جلوی آمریکا بایستد. آمریکا چرا دنبال کشورهای مثل ایران و عراق و ... است. فرض آنها این است که این دولتها از ملت های خود جدايند و بنابراین قادر به مبارزه اينها نیستند. من همیشه گفته ام جمهوری اسلامی نمی تواند در دو جبهه بجنگد. باید با جبهه مردمی آشتی برقرار شود. بعد می بینید که همان طور که مرحوم خمینی گفت، «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.» وقتی جامعه دموکراتیک باشد، آمریکا واقعاً هم هیچ غلطی نمی تواند بکند. ولی وقتی جامعه ایران دموکراتیک نباشد، آمریکایی ها هر غلطی می کنند، و تا به حال هر غلطی کرده اند و پس از این هم می کنند. آمریکایی ها اصولاً نمی خواهند در این منطقه يك قدرت ایجاد بشود. اسرائیلی ها هم که صددرصد نمی خواهند. هر حکومتی که در این منطقه بخواهد ذره ای قدرت پیدا کند به نحوی با آن در می افتند. با يك انتخابات نیم بند مشکل ایران حل نمی شود. آمریکا به انتخابات ایران فکر نمی کند.

امروز - رایس به تازگی گفته بود که آمریکا در تابستان درباره پرونده هسته ای ایران تصمیم خواهد گرفت؟ تاچه اندازه این تصمیم گیری با انتخابات ایران در ارتباط است؟

امیراحمدی- معنای حرف رایس این نیست که ما منتظریم که ببینیم در ایران يك انتخابات دموکراتیک برگزار می شود یا نه پیش فرض آنها این است که انتخابات در پیش روی ایران حتماً غیردموکراتیک خواهد بود و بنابراین این هم بهانه ای دیگر برای فشار مضاعف بر ایران خواهد بود. رایس منظورش این نیست که ما در دموکراتیک برگزار شدن این انتخابات شك داریم.

آمریکا روی انتخابات حساب باز نکرده است. تنها خوبی که این انتخابات برای آمریکا دارد، پیدا کردن بهانه ای دیگر است. اگر جمهوری اسلامی يك انتخاباتی برگزار کند که واقعاً آزاد باشد، آمریکا را غافلگیر خواهدکرد. در آن صورت آمریکا با افکار عمومی خود مواجه خواهد شد و به سادگی نمی تواند به ایران فشار بیاورد.

اگر يك انتخابات آزاد برگزار شود آمریکایی ها نمی توانند به سادگی در شورای امنیت موفق شوند، نمی توانند به سادگی به ایران حمله کنند و باید در برابر افکار عمومی جهان پاسخگو باشند.

آمریکا خدا خدا می کند که انتخابات به صورت دموکراتیک برگزار نشود. آمریکا نگران است که نکند رهبران جمهوری اسلامی شب بخوایند و صبح انتخابات آزاد برگزار کنند.

در صورت برگزاری يك انتخابات آزاد در ایران کمر آمریکایی ها خواهد شکست. با این کار، بزرگترین بمب روی واشنگتن انداخته می شود. ایران ۷۰ میلیون بمب دارد، و این بمب ها، تگ تگ افراد ملت هستند. ما واقعاً به بمب نیاز نداریم. پاکستان بیشتر امنیت دارد یا سوئیس که اصلاً ارتش هم ندارد؟

امروز - شما وظایف حکومت را گفتید؟ مردم چه کار بکنند؟

امیراحمدی- حکومت به مردم می گوید که من هر کاری می گویم شما انجام دهید چرا که در غیر این صورت آمریکا به ما حمله خواهد کرد. شاید مردم هم باید این کار را انجام دهند. اما حکومت هم نباید به این اندازه از مردم انتظار از خودگذشتگی داشته باشد. مردم انتظار دارند که اگر وارد میدان می شوند، حکومت هم سعه صدر از خود نشان دهد و يك انتخابات آزاد برگزار کند. آن وقت می بینید که ما با همین مشیت هایمان تو دهن آمریکا هم می زنیم. نمی شود همیشه از ملت بخواهید که صدمه بخورد و حرف نزند. ملت ایران ملتی صبور، متین و خودداری است. ملتی که ۲۶ سال در جنگ، تحریم، مشکلات داخلی، سود مدیریت، فساد به سر می برد. اما با این حال در انتخابات شرکت می کند، خواستار تغییر تدریجی است، ...

امروز - چرا طیف هایی از اپوزیسیون در مقابل حمله احتمالی آمریکا موضعی همدلانه با این تهدید دارند؟

امیراحمدی- يك دسته از اپوزیسیون خارج کشور مثل مجاهدین خلق مزدور هستند. مجاهدین فقط به قدرت فکر می کنند آن هم به هر قیمتی. آمریکا برای مجاهدین يك ابزار است. مجاهدین می خواهند با چکش آمریکا سر جمهوری اسلامی را بشکنند. شاهی ها هم جز يك بخش کوچکی، دنبال سرنگونی حکومت با ابزار آمریکا هستند. بعضی از آنها ادعا می کنند که از ابزار مردمی هم استفاده می کنند و بحث رفراندوم را هم مطرح می نمایند. اما آمریکا بزرگترین پشتوانه آنها است و به همین دلیل است که مخالف رابطه ایران و آمریکا هستند. من که پیگیر باز سازی رابطه ایران و آمریکا هستم. شاهی و مجاهد دشمن درجه يك بنده هستند. آنها فکر می کنند که من بزرگترین خیانت رابه دنیا و ملت ایران می کنم. اما نیروی جمهوری خواه با این جریانات متفاوت است. این ها بچه های چپ دموکرات گذشته هستند که دور هم جمع شده اند. جمهوری خواهان نیروی کوچکی هستند که حداقل هم اکنون پتانسیل بالایی ندارند. این نیرو در مورد رابطه ایران آمریکا مواضع خوبی اتخاذ کرده است. در مورد انتخابات هم مواضع خوبی گرفته است. اما چون دسته جمعی عمل می کنند گاهی دیر اعلام موضع می نمایند. جمهوری خواهان معتقدند که در انتخابات باید شرکت کرد و به تازگی در این زمینه بیانیه داده اند. این نیرو در مجموع مثبت است. متأسفانه جمهوری اسلامی به این نیرو هم اجازه وارد شدن به میدان نمی دهد. قطار جمهوری اسلامی مدام سرنشینانش را بیرون می ریزد. نیروهای اپوزیسیون خارج کشور بیشتر به سرنگونی و حمله آمریکا فکر می کنند. اما بخشی از آنها هم چنین موضعی ندارند. متأسفانه جمهوری اسلامی همه این ها را با يك چوب می زند.

شاهی ها و مجاهدین بر علیه ایران و در جهت ضد ایرانی گری فعالیت می کنند و خیلی هم موفق بوده اند و برای اینکه دولت ایران در این سال ها رفتار دموکراتیک نداشته است این نیروها تقویت شده اند. زبان کسانی مثل ما در آمریکا کوتاه شده است، البته ما هنوز هم تلاش می کنیم. اما متأسفانه آمریکا دیگر از سرنگونی سخن می گوید.

ایران ۲ معضل اساسی دارد. معضل داخلی ایران اقتصاد سیاسی آن است. بیکاری و نبود فضای آزاد انتخاباتی است. مهم ترین معضل خارجی ایران، آمریکا است. این دو معضل به صورت تنگاتنگ با هم ارتباط دارند. تا رابطه ایران و آمریکا حل نشود معضل اقتصاد و دموکراسی ایران حل نمی شود. انتخابات در پیش است. چطور می توان از این بن بست خارج شد؟ باید با آمریکا رابطه برقرار شود. برای برقراری رابطه، باید در این انتخابات یک معجزه اتفاق بیفتد. اگر این معجزه اتفاق نیفتد مشکل رابطه ایران و آمریکا نه تنها حل نمی شود، بلکه به طرف جنگ و دعوا می رود. بنابراین امروز انتخابات آزاد به معنای واقعی و دقیق کلمه، خواست ملی است. اگر کسی به این توجه نکند با سرنوشت

کشور بازی خواهد کرد. من این را می گویم برای اینکه در تاریخ ثبت بشود و شما این را در ظرف ۲ سال آینده خواهید دید. اگر دولت جمهوری اسلامی به این توجه نکند، در مقابل تاریخ مسؤل خواهد بود، نمی گویم، که جمهوری اسلامی انتخاباتی در حد و اندازه های کشورهای اروپایی برگزار کند، کسی این انتظار را نمی تواند داشته باشد، و نه دنیا از جمهوری اسلامی چنین انتظاری دارد. اما دست کم بخشی از نیروهایی را که جمهوری اسلامی از آنها نمی ترسد، یعنی نیروهایی که خدمتگزار، ملی و اسلامی هستند... اجازه حضور یابند. در جمهوری اسلامی می تواند یک معجزه اتفاق بیفتد.

اما این کار آسانی نیست و به همین دلیل هم شدیداً نگرانم. و احساس من این است، به سوی بن بست می رویم که برگشت از آن تقریباً غیرممکن خواهد بود.

ما در خارج کشور بسیار نگران ایرانیم و هر کاری که بتوانیم انجام می دهیم که به این ملت صدمه نخورد. مردم باید هوشیار باشند. انقلابی گری کور و آشوب و درگیری این روزها بسیار خطرناک است. باید همچنان سعه صدر داشت و در عین حال نباید ضعیف عمل کرد.